

نقش معرفت الهی در مقام تسلیم (در برابر خداوند) از منظر آیات و

روایات

اله خلیلی^۱

چکیده

برای بندگی خداوند و اینکه سعادت دنیا و آخرت را داشته باشیم، لازم است با شناخت صفات خدا، کمی به معرفت پروردگار نزدیک شویم، وبا تزکیه و تهذیب نفس، بتوانیم این معرفت را با همه ی وجود، درک کنیم و طریق کمال را بییماییم. دعاها یی که از ائمه اطهار (علیهم السّلام) به ما رسیده اند، گنج هایی هستند که ما با مطالعه و دقت در آنها می توانیم به معرفت الهی برسیم. دعای جوشن کبیر که در آن، هر چه هست فقط سخن از صفات خداست و دعای هفتم صحیفه سجادیه که خداوند را تنها گشاینده ی گره های کور می داند به قدرت الهی اشاره می کند که حقیقتاً هر غیر ممکنی را ممکن می سازد. و همه چیز به دست اوست. از راه های کسب معرفت می توان به انس با خداوند، مراقبه، توجه به نعمت ها، خواندن منابع دینی و تفکر در آن، اشاره کرد. اگر خود سازی نکنیم، مشغول دنیا باشیم، اخلاص نداشته باشیم، همه اینها موانع کسب معرفت می شوند. باید از خواسته های خود بگذریم و از شرّ نفس خود به خدا پناه ببریم، همواره رضای او را طلب کنیم خود را برای او خالص کنیم، تا به معرفت و سعادت برسیم. ائمه اطهار (علیهم السّلام) الگوی ما هستند وبا محبت و تقرب به این بزرگواران و توسل به ایشان است، که می توانیم به پروردگار، شناخت و محبت پیدا کنیم. و نهایتاً وقتی که فهمیدیم، و با همه وجود درک کردیم که چه معبود و صاحب اختیار مهربان و مدبری داریم، با صبر و توکل تسلیم او خواهیم بود؛ چرا که می دانیم او به مصلحت ما آگاه تر است. و بدانسم که آخرت اصل است و امتحانات دنیایی هم به جهت مصلحت مهمتری، (بالا رفتن مقام مومن، زدودن غفلت از یاد خدا و رشد انسان) است.

کلید واژه ها:

نقش - معرفت الهی - مقام تسلیم

^۱ . . سطح دو ، مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها

[@alhhkhlyly12@gmail.com](mailto:alhhkhlyly12@gmail.com)

مقدمه

هر کس دو زندگی دارد: زندگی بدنی، زندگی ابدی. زندگانی بدنی انسان به گذراندن عمر خود در این دنیا و پشت سر نهادن است. و زندگی ابدی انسان به ایمان و فضایل و کمالات نفسانی هر کس است. اما زندگی ابدی بسیار ارزنده تر و گرانبها تر از زندگی بدنی است.

ناگزیر زندگی همراه سختی و مشکلات است، که اگر ما با تقویت معرفت و صبر در وجود خودمان، ایمان مان را قوی نکنیم، ممکن است در گرفتاری ها، پایه های ایمان ما ضعیف شود و نا شکری کنیم. معرفت و شناخت خداوند و توجه به حکمت بلاها که موجب رشد انسان است، راهی است که می تواند ما را در لحظه های امتحان الهی کمک کند و موجب حفظ ایمان شود.

کتاب حیات عارفانه امام علی علیه السلام، اثر علامه آیت الله جوادی آملی است که تفسیر و توصیف ابعاد مختلف شخصیت امام علی علیه السلام است، با رویکردی عرفانی تا عرفان ناب و عارف حقیقی رادر وجود امام عارفان متجلی سازد و معیار جامعی فراروی جویندگان وادی معرفت بگذارد کتاب شمس الوحی تبریزی در بحث پیرامون عرفان علامه طباطبائی، کتاب عرفان و عبادت آیت الله عباس محفوظی در زمینه بحث معرفت نوشته شده است.

به روش توصیفی - تحلیلی. کتابخانه ای

در این مقاله می خواهیم به تاثیر شناخت خداوند در مقام تسلیم پردازیم. و ببینیم آیا رابطه ای بین اینها وجود دارد یا خیر.

فصل اول

اصطلاحات

نقش : معنای لغوی : مصدر عربی - شکل و صورت کسی یا چیزی را کشیدن . و نیز به معنی اثری که روی زمین یا چیزی باقی مانده باشد ۱.

اصطلاحی: نگاشتن - نگارش . نگار کردن ۲

در اینجا معنای دوم یعنی اثر مد نظر است .

معرفت : معنای لغوی : شناختن ۳

اصطلاحی: شناخت ، شناختگی آن چه که مقتضی سکون نفس معتقد باشد به معتقد الیه . (منتهی العرب) ۴

الهی: معنای لغوی: اله: اسم . عربی . (ا- لاه) خدا، ایزد، و به معنی معبود . الهی : منسوب به اله، خدایی ۵ معنایی دیگر: این لفظ ، مرکب است از لفظ اله که اسم ذات حق تعالی است و از حرف یای متکلم.

و در بعض محل یای این لفظ مکرم برای نسبت نیز مضموم می شود. چنانکه در این عبارت که حکم الهی این چنین بود و کسانی که این یاء را از نفس کلمه می دانند خطاست و الهی نام یکی از اقسام ثلاثه حکمت نیز هست و اقسام ثلاثه حکمت اینست: ریاضی، طبیعی و الهی. پس الهی، علمی است که بحث کرده شود در آن از اموری که به وجود خارجی و تعقل، هر دو محتاج نباشد بسوی ماده و آن، (معرفت الله تعالی) است.

۱ . عمید ، فرهنگ فارسی عمید ، ج اول ، ص ۱۹۱۵

۲ . حسینی دشتی، معارف و معاریف ، ج هشتم ، ص ۵۶۳۵

۳ . رامپوری، غیاث اللغات ، ص ۸۴۲

۴ . حسینی دشتی، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، ج ۷، ص ۵۲۴۰

۵ . عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، ص ۶۰۰

و مقربان حضرت او که به فرمان او اسباب دیگر موجودات شده اند. چون عقول و نفوس و احکام و افعال ایشان ۱.

حال اگر معرفت الهی را باهم در نظر بگیریم ، شناخت خداوند یا شناختی منسوب به خدا معنا می دهد.

مقام : معنای لغوی : جای ایستادن، جاه و منزلت . ۲

تسلیم: معنای لغوی: مصدر عربی .گردن نهادن، رام شدن ، واگذار کردن و سپردن . درود گفتن، سلام کردن ۳

دو معنای آخر مناسبتی با بحث ما ندارد و همان معنای گردن نهادن و سپردن در اینجا منظور است .

در مورد گردن نهادن می توان گفت: گردن نهادن به حکم می تواند منظور باشد و یا سپردن خود به مقدرات الهی باشد.

مقام تسلیم: انسان به درجه ای برسد که با رضایت، همه ی امور خود را به خداوند بسپارد . و به تقدیرات الهی گردن نهد .و تسلیم محض خداوند متعال باشد.

۱ . رامپوری ، غیاث اللغات ، ص ۸۰

۲ . عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج اول ، ص ۵۲۸۲

۳ . همان ، ص ۵۷۵

فصل دوم

معرفت به خداوند و شناخت صفات او

خداشناسی: ستایش خدایی را سزااست که با آفرینش مخلوقات بر انسان ها تجلی کرد و با برهان و دلیل خود را بر قلب های شان آشکار کرد. مخلوقات را بدون نیاز به فکر و اندیشه آفرید، که فکر و اندیشه مخصوص کسانی است که دلی در درون سینه داشته باشند و او چنین نیست، که علم خداوندی ژرفای پرده های غیب را شکافته است، و به افکار و عقاید پنهان احاطه دارد.^۱

باید توجه کنیم که خالق ما خداست، اوست که مصلحت ما را بهتر از خودمان می داند، و به نیازهای ما آگاه است. صرف اراده و خواست، همه چیز را به وجود آورده و با قدرت بی نهایت خود بدون مصالح اولیه آسمان و زمین به این عظمت را آفریده و بالای قدرت او هیچ قدرتی نیست، پس اگر حتی موانع زیادی هم سر راه ما باشد، اگر تنها به قدرت او تکیه کنیم، برای ما کافی است. و با توکل می توانیم به هدف خود برسیم، به خدا اعتماد کنید و تسلیم خواسته های او باشیم و اگر سختی هم سرراه ما بود بدانیم که خداوند حکیم آن را برای رشد و سعادت ما قرار داده است، و به خاطر سلاح خود ما بوده حتی اگر برای ما خوشایند نباشد. همواره برای رضای خدا کار کنیم و بدانیم که همراه سختی، گشایش است و بهتر است با بیقراری و در رنج ها، غم خود را دوچندان نکنیم بلکه با صبر و توکل، تسلیم خواست پروردگار باشیم که بهترین مدبر است.

وصف قدرت پروردگار: همه چیز برابر خدا خاشع، و همه چیز با یاری او، بر جای مانده است خدا بی نیاز کننده ی هر نیازمند، وعزت بخش هر خوار و ذلیل، نیروی هر ناتوانی و پناهگاه هر مصیبت زده است. هر کسی سخن گوید، می شنود و هر که ساکت باشد اسرار درونش را می داند، روزی زندگان بر اوست و هر که بمیرد به سوی او باز می گردد.^۲

با توجه به این فراز می توان گفت که همه چیز طبق خواست خداست و هر چه که اراده کند همان می شود خداوند از همه به ما مهربان تر است پناه مادر سختی هاست امید ما هنگام تنهایی و ترس به اوست اگر برای او کار کنیم و همه هم و غم و توجه ما خدا باشد مطمئنا خسته نمی

^۱. دشتی، نهج البلاغه، ص ۱۴۱، خ ۱۰۸

^۲. همان، ص ۱۴۳، خ ۱۰۹

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیشتر امتش، برای تسلیم بودن در برابر خداوند است: قل اغیر الله اتخذ ولیا... قل انی امرت ان اکون اول من اسلم...

بگو: «آیا غیر خدا را ولی خود انتخاب کنم؟! ... بگو: «من مأمورم که نخستین مسلمان باشم و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!»^۱

لا شریک له وبذلک امرت وانا اول المسلمین.

همتایی برای او نیست و به همین مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم!^۲

وامرت لان اکون اول المسلمین.

و مأمورم که نخستین مسلمان باشم.^۳

همه اولیاء و انبیاء با همه وجود به خداوند معرفت داشتند و این تسلیم، ریشه درهمین معرفت عمیق و شهودی آنان دارد.

نتیجه تسلیم بودن در برابر خدا

خداوند ابراهیم را بنده خاص خود قرار داد پیش از آنکه پیامبرش قرار دهد و خداوند او را به عنوان نبی انتخاب کرد پیش از آنکه او را رسول خود سازد و او را رسول خود انتخاب کرد پیش از آنکه او را به عنوان خلیل خود برگزیند و او را خلیل خود قرار داد پیش از آنکه او را امام قرار دهد، هنگامی که همه این مقامات را جمع کرد فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم، این مقام به قدری در نظر ابراهیم بزرگ جلوه کرد که عرض نمود: خداوند از دودمان من نیز امامانی انتخاب کن، فرمود: پیمان من به ستمکاران آنها نمی‌رسد.^۴

بنابراین مقامات و الطاف الهی، بدون دلیل به کسی واگذار نمی‌شود و از مجموع آیات مرتبط با حضرت ابراهیم می‌توان دریافت که اگر او برگزیده می‌شود، به خاطر روحیه تسلیم بودن او در

۱. انعام، ۱۴.

۲. انعام، ۱۶۳.

۳. زمر، ۱۲.

۴. کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب طبقات الانبیاء و الرسل و الأئمه ص ۱۳۳

برابر خداوند است. إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^۱. (بخاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگار ابراهیم به او گفت: تسلیم شو. گفت: در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.

ره آورد تسلیم

اگر به راستی به خدا ایمان آورده‌اید در برابر فرمان او تسلیم شوید، و فائده این آیه بیان این مطلب است که در وقت نزول شدت و سختی باید به خدا توکل کرد، و با اطمینان کامل به تدبیر نیکوی وی تسلیم فرمان او گردید و کار را بدو واگذار نمود.

معرفت و اطاعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌هم شریف از شناخت عمیق درباره خداوند و امام برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حضور یافتند امیرالمومنین علیه السلام درباره آنها فرموده است مردانی که خود را چنان که شایسته است شناخته‌اند شناخت و اعتقاد اعتقاد آنان نسبت به امامی در جلفا یا وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودش را فرا گرفته است این این همان معرفتی است که آنها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است.^۲ تا به داوری تسلیم نشوند ایمان نیاورده اند

پس نه چنین است که به پروردگارت، ای محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) سوگند، ایمان نیاورده اند! تو را داور سازند در آنچه بین خود نزاع دارند سپس از آنچه برایشان داوری نمودی در دلشان تنگی و ناخشنودی نیابند و تسلیم تو گردند.^۳

و خلاصه آیه شریفه آن که ایمان وقتی درست است که در برابر حکم خدا چه تشریعی و چه تکوینی تسلیم باشد و هیچ گونه اعتراض و چون و چرایی در دل نداشته باشد و اگر در برابر خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) مخالفت و اعتراض و ردّ در دل باشد این حالت از اقسام شرک به خداست.^۴

^۱. سوره بقره، آیه ۱۳۱

^۲. یوسفیان، نگین آفرینش، صفحه ۱۶۱

^۳. نسأء/۶۵

^۴. دستغیب، قلب سلیم، ج ۱، ص ۶۱۵

نتیجه گیری

با مطالعه و تدبر در آیات قرآن و دعا‌هایی نظیر دعای جوشن کبیر به شناختی نسبت به خداوند می‌رسیم و می‌فهمیم که خداچقدر نسبت به بندگانش مهربان و رؤوف است. و اگر سختی‌ای هم هست، به جهت حکمت و مصلحت مهمتری است. وبا تزکیه نفس و اخلاص می‌توانیم به حقیقت این اسماء و صفات الهی کمی نزدیک‌تر بشویم و با همه‌ی وجود خیر خواهی پروردگار را درک کنیم، و نهایتاً در برابر چنین خالق حکیمی که مصلحت ما را در نظر دارد، تسلیم باشیم و از مقدرات الهی راضی باشیم. سختی‌ها باعث می‌شود انسان با خدا بیشتر حرف بزند، دعا کند، احساس نیاز بیشتری به خدا داشته باشد با خضوع و خشوع بیشتری از او یاری طلبد. دل مشغولی‌های دنیایی انسان را از خدا دور می‌کند، هنگامی که در راحتی و نعمت هستیم، توجه نمی‌کنیم، شکر گذار نیستیم ولی خداوند همواره به ما توجه دارد، بلا و سختی‌ها را قرار داده تا غرق دنیا نشویم، اتفاقاً در روزهای سختی که با مشکلی مواجه هستیم به خدا نزدیک‌تر هستیم. اگر بدانیم که خداوند مهربان خیر و صلاح ما را می‌خواهد، و متوجه حکمت او باشیم، خود را به او می‌سپاریم و تسلیم خواسته‌های او می‌شویم. گله و شکایت نمی‌کنیم، صبر می‌کنیم، خود را برای خدا خالص می‌کنیم برای رضای او کار می‌کنیم، گله و شکایت، نتیجه این است خداوند را فراموش کرده. چیزی غیر از خدا برای ما اهمیت یافته است؛ حالا این می‌تواند مقام، ثروت، آسایش دنیوی یا منافع مادی و شخصی. خودمان باشد، که اگر مثلاً گرفتاری پیش آمده و مانع آسایش دنیایی ما شده، گله کنیم، بلکه آن معرفت و شناخت داشتیم، و خدا را از همه چیز بیشتر دوست داشتیم، که حاضر بودیم برای رضای او هر سختی را تحمل کنیم، دیگر ناشکری نمی‌کردیم. شهدا که از همه‌ی زندگی و آسایش و رفاه خود گذشتند، خدا را بر خودشان و بر همه داشته‌هایشان مقدم می‌دانند و فقط به محبت و رضای الهی فکر کردند که این، نتیجه همان معرفت است؛ خدا را به خوبی شناختند، و او را از همه بالاتر می‌دانند و حاضرند به خاطر خدا، حتی جان خود را از دست بدهند و در برابر او تسلیم بودند.

منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، چاپ سی ام، سال ۱۳۸۹،
۲. رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین، غیاث اللغات: چاپ سوم سال ۱۳۸۸
۳. دشتی، سید مصطفی حسینی، معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، ج ۷، ویراست پنجم، چاپ ۱۳۹۳
۴. اکبری مزد آبادی، علی، جناب عشق، نشریا زهرا (سلام الله علیها)، چاپ هشتم، ۱۳۹۳
۵. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲ بی جا
۶. حسینی، سید مجتبی، مقامات اولیاء ۲، (شرحی بر زیارت جامعه کبیره)، چاپ دوم ۱۳۹۵
۷. دستغیب، سید عبدالحسین، قلب سلیم، چاپ اول سال ۱۳۸۹، ج ۱.
۸. دعوتی، سید ابو الفتوح، معجزه قرآن، نشر معارف اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۷۶
۹. رضی، شریف، نهج البلاغه، نشر هادی، چاپ دهم، ۱۳۸۶.
۱۰. روستایی، داود، راه فاطمه، چاپ دوم، سال ۱۳۸۴
۱۱. سلیمانی، حسین، از جنس خاک، انتشارات قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۹۶.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر قرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶ بی تا
۱۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۳.
۱۵. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۱، باب طبقات الانبیاء و الرسل و الأئمه

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۵.

۱۷. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ ۲۳، سال ۱۳۷۹.

۱۸. معماریان، مهدی، در راه بندگی، قم، نشر لسان الصدق، چاپ اول، ۱۳۸۲

۱۹. یوسفیان، مهدی، نگین آفرینش چاپ ۱۳۸۸، سال ۱۳۹۸.